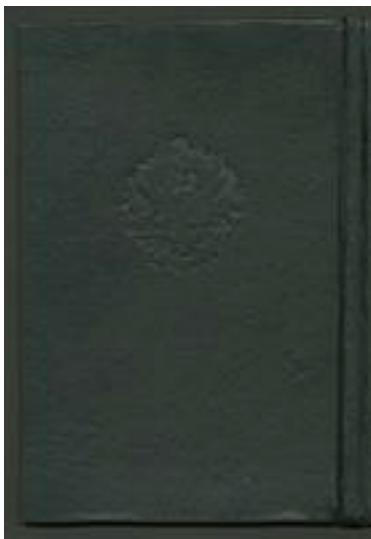


[Afghanistan Digital Library](#)

adl0939

<http://hdl.handle.net/2333.1/2bvq83q9>

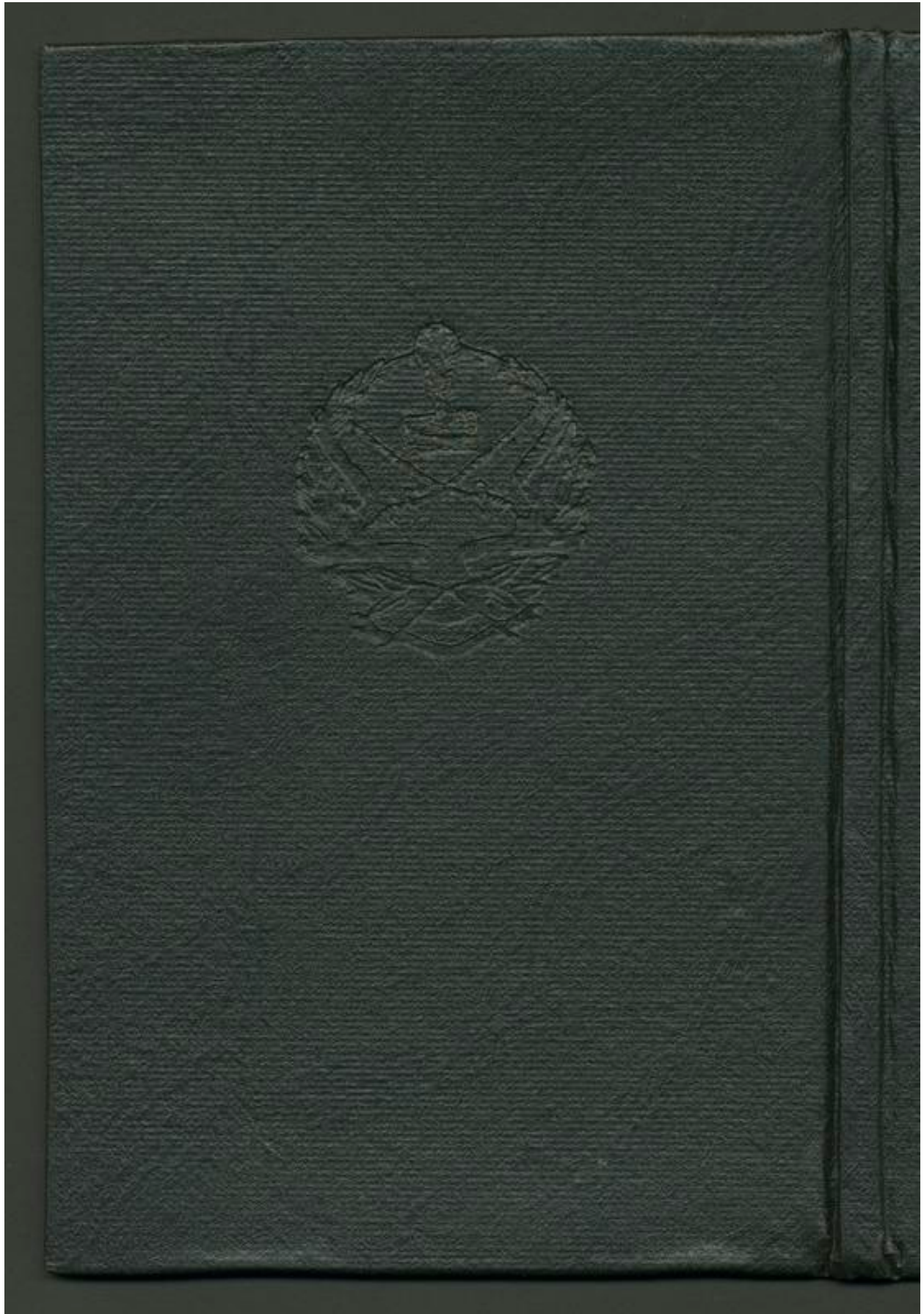


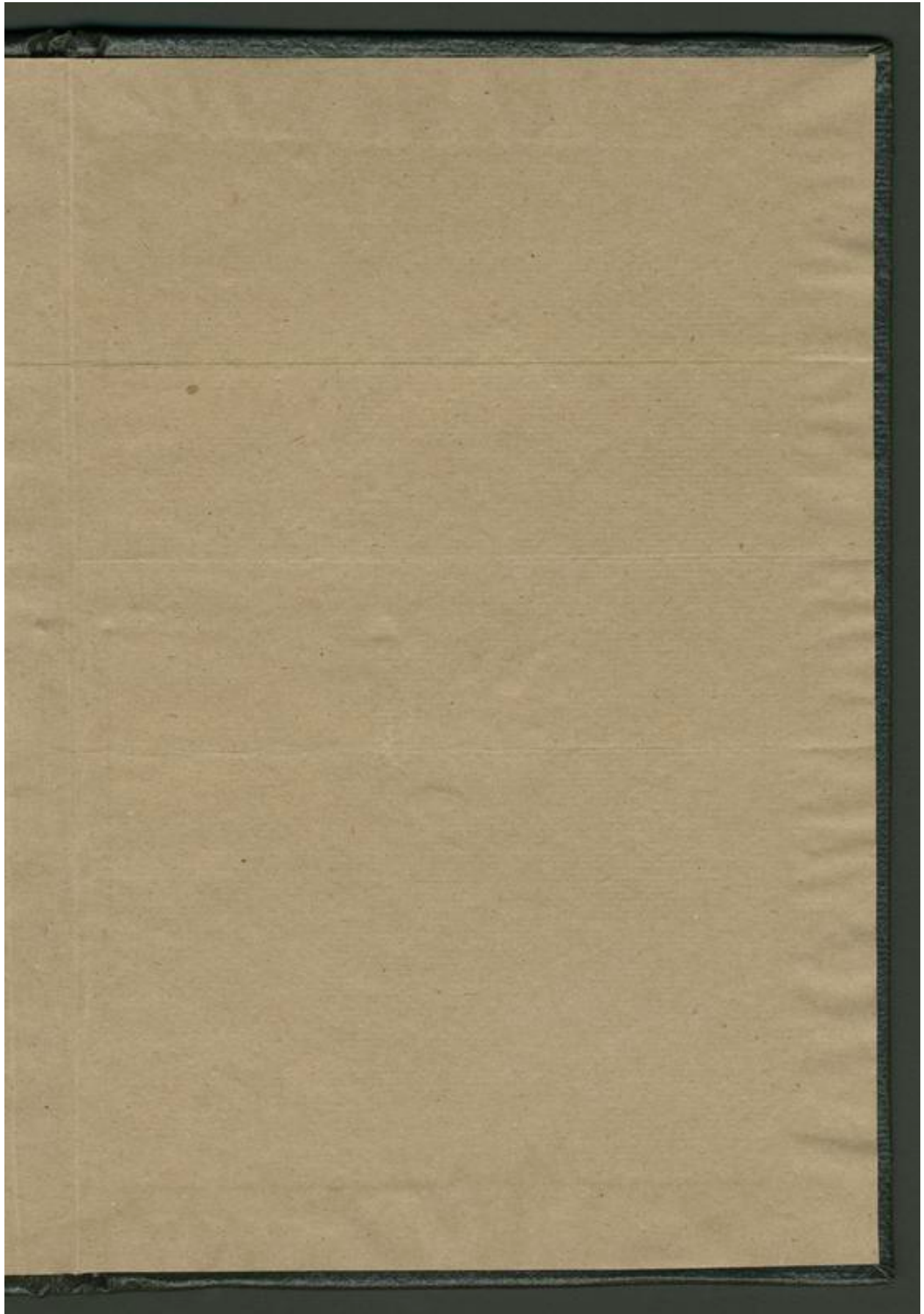
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

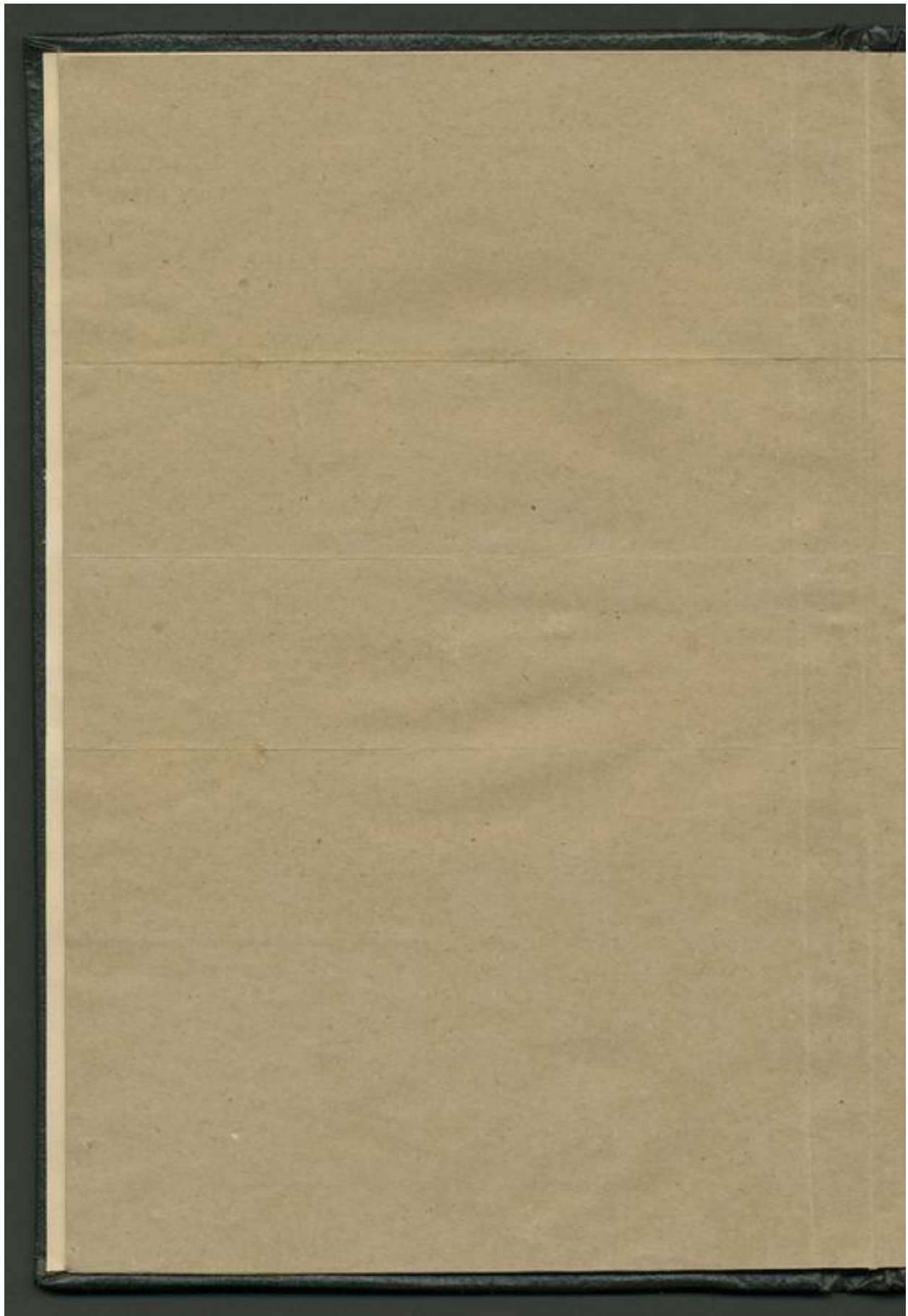
When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

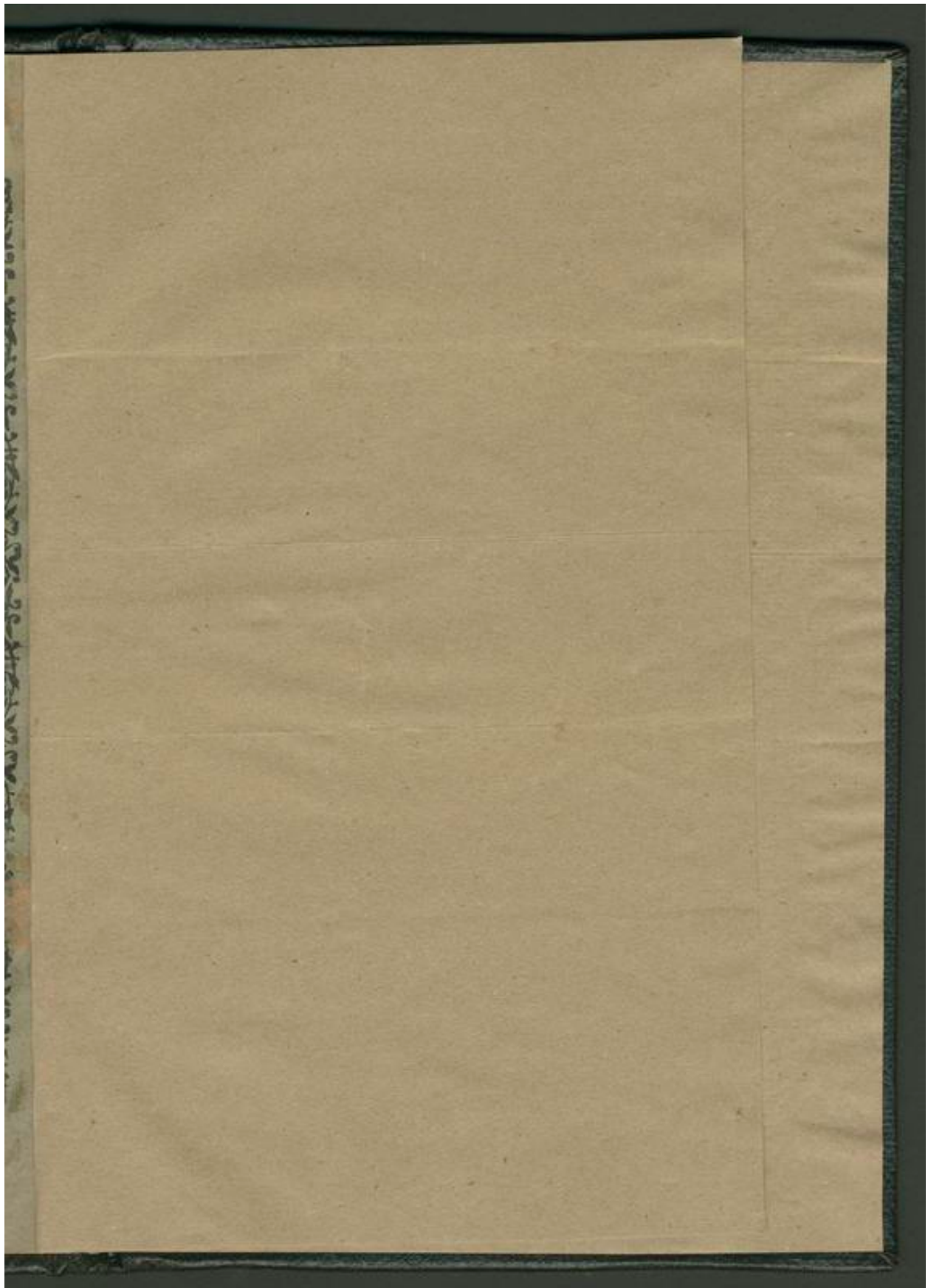
All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu









این کتاب از محمد سجلی میانه

رجستری شده است

نشریات شیر محمد افغان

در عهد سلطنت اعلی حضرت امیر امان الله خان غازی

(خلد الله ملکه و سلطنته)

نشر اسلام

طبع اول

جمعه حقوق طبع محفوظ است

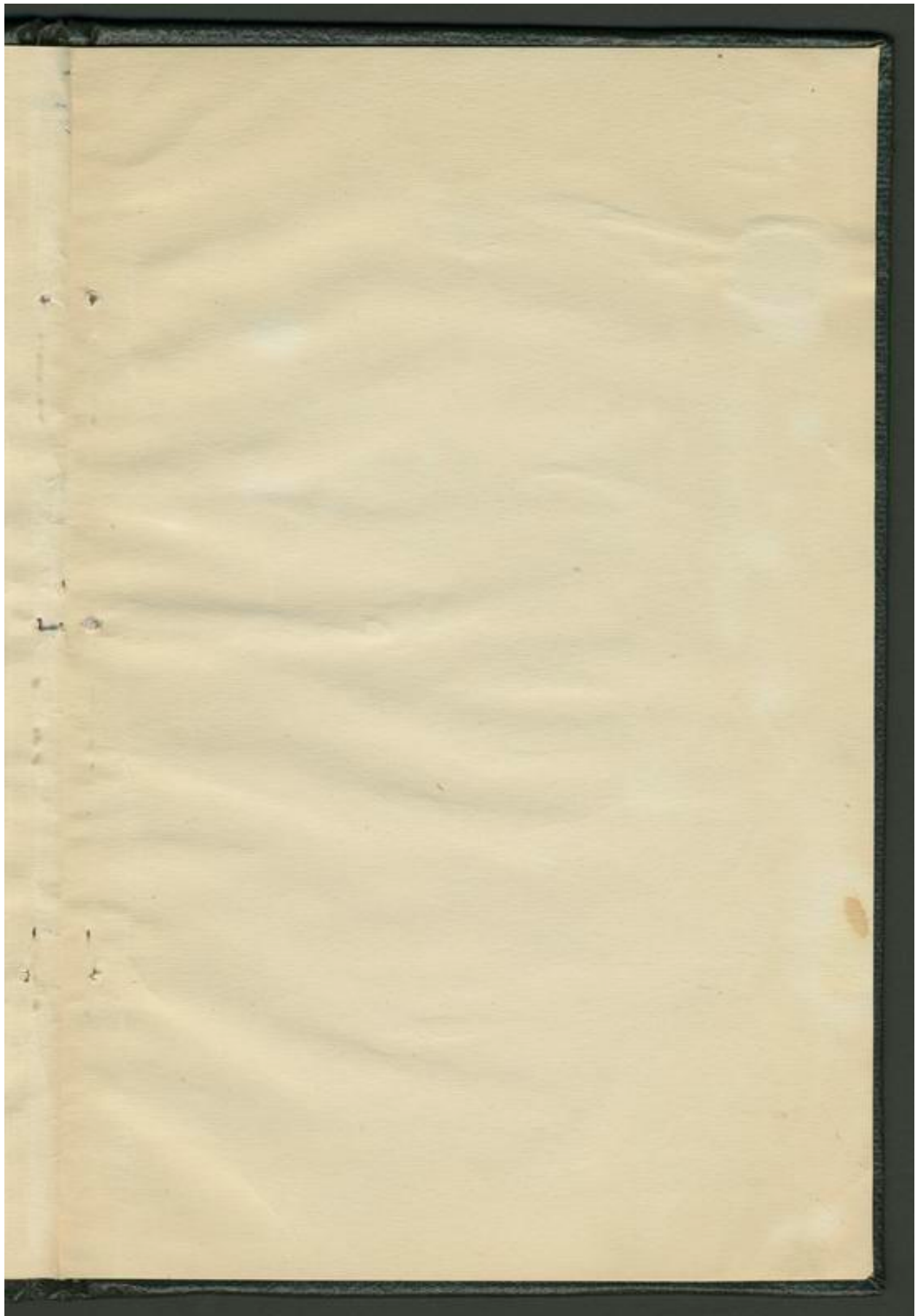
مترجم سید رضا علی زاده

(۱۳۰۴) ————— (۱۳۰۴)

و مطبع مفید عام لاهور طبع شد

تعداد یک هزار

۱۹۲۴ میلادی



رجسٹری شدہ است

نشریات شیر محمد افغان

بسم الله
فی
نشر الاسلام

(در عهد سلطنت اعلیٰ حضرت امیران الشریحان غازی)

(خلد الله ملکہ وسلطنتہ)

طبع اول

بجملہ حقوق طبع محفوظ است

(۱۳۰۴ ————— ۱۳۰۴)

مترجم سید رضا علی زاوہ

قد مطبع مفید عام لاہور طبع شد

تعداد یک ہزار

۱۹۲۶ میلادی

نورارت جلدی تعلیم و تربیت اهدا شد
دکتر محمد محمدی
چاپخانه
کتابخانه
کتابخانه

۱۲۳/۱۲۵۷

✓
A
297.4
A5

۱- قسم - مالیات

0000025

نشر اسلام

۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس مر خداوندی را که فرموده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ
الْإِسْلَامُ» و درود بر خواجه ما فخر کائنات و علت موجودات، حضرت
محمد صلی الله علیه و آله و سلم و بر آل و اصحاب و خلفای کرام او رضی
الله تعالی عنهم اجمعین که مجاهدین دین مبین، پیشوا و سرور مسلمین
بودند و بر اُمراء علمای عظام رحمة الله علیهم اجمعین که و البیان
اسلام و حامیان اسلامیان بوده، دین حق خدا را در اقطار
عالم جاری و نور اسلام را با شمشیر و قلم در شرق و غرب نشر نموده،
ظلمت کفر را از میان ملتها و اُممها مختلفه جهان دفع کردند.
و بعد چنین گوید این بنده حقیر و محتاج بر رحمت پروردگار
قدیر، شمس الدین سامی الفراشی که چون زبان عربی زبان

عمومی جمیع مسلمین و لغت علمی مشترک بین تمام علمای موحدین است،
ازین رو این رساله مختصر را بزبان عربی تالیف نمودم . ولی
چون بسبب الفت زیاد من بزبان ترکی، مهارتتم بزبان عربی کم
است، لهذا از خوانندگان گرامی رجاء دارم که از خطا و سهوهای
صادر شده، مرا عفو فرمایند . چه قصد من اظهار علم و ابراز فضل
نیست . بلکه غرض من آن است که نفع این رساله برای جمیع
برادران دینی عام باشد .

پس بدان که این رساله از کیفیت انتشار اسلام در مملکت
های مختلف و از احوال ملت های اسلام آن ممالک که اهل آن
از پیش و یا بتازگی اسلام آورده اند بحث می نماید . پس
نفع آن ظاهر و لزومش برای هر مؤمن و مسلم آشکار است .
چون ظهور اسلام در میان عرب واقع گردید و پیغمبر ما
علیه الصلوة والسلام عرب بود . ازان رو قرآن نیز بزبان
عربی نازل گردید . عربها در زمان جاهلیت بقبیلہ های
بسیاری متفرق بوده، در میان ایشان هیچگونه اتفاق و اتحادی

نبود. هر یکی ازین قبائل متفرقه بغت مخصوصی گفتگو نموده، جنگ و جدال، نفاق و اختلاف دایم در میان ایشان حکمفرما بود. کشتار و قتال تارفته شدت میکرد.

همین که اسلام ظاهر شد، همه این قبیلہ با ہم اتحاد نموده، امت یگانه گردیدند و قرآن کریم بفضیح ترین لغات ایشان نازل گشته، همه کتابهای دیگر را باطل ساخت و جمیع فصحا و شعرای عرب بفصاحت قرآن مبہوت شدند.

اسلامیت تا زمان خلافت حضرت عمر رضی اللہ تعالیٰ عنہ بجزیره عرب منحصر بود. در زمان پیش عربها بادیہ نشین بوده، بچادرها و شتران اکتفا می نمودند و برای ایشان بقوها و مملکت های دیگر هیچ گونه فتح و استیلای میسر نگردیده بود. ولی همین که اتحاد نموده، دست بدست یکدیگر دادند، فکرهای شان کشاده شده، قوت تازه و غیرت روحانی به ایشان رو آورد. تا اینکه جزیره العرب برایشان تنگی کرد و ازان بیرون قدم گذاشته، بفتوحات و کشور کشایی آغاز نمودند.

در سایه این غیرت اسلامی، عربها در اندک زمان شام و عراق، فارس و خراسان، پس از آن مصر و آفریقا را فتح کردند. در آن زمان، درین مملکت و ولایت با ملتهای گوناگون، همچو سریانیان، کلدانیان، فارسیان، قبطیان و بربریان زندگی می نمودند. در مدت کمی همه آنها محو شده، عرب مستعرب گردیدند. مگر اهل فارس و خراسان که اهل این دو قطعه، بفارسی خود باقی ماندند ولی پس از آن که اسلام آوردند، زبان عربی را برای خود زبان ادبی فرا گرفته بخواندن و نوشتن عربی پرداختند.

درین زمان، فتوحات و انتشار اسلام بسبب نزاع و اختلافاتی که در میان علی کرم الله وجهه و معاویه ظهور کرده و فاجعه کربلا که بهمت طغیان یزید رخ داده بود، چند مدت دچار تعطیل و توقیف گردید. تا آنکه سفر مغرب اقصا واقع گردیده، قطعه های تونس، جزائر و مغرب بدست امیران دولت امویه فتح شد. پس از آن موسی ابن نصیر و طارق بن

زیاد بقطعه آورد و پا تجاوز نموده اندلس که مملکت بزرگی بوده،
امروزه دولت اسپانیا و پورتگیز را تشکیل می دهد، گرفته و نیمه
مملکت فرانسه را بروی ضم ساختند. همچنین بیش ترین جزائر
بحر روم (بحر سفید) همچون قبریس، افریطس، سقلیه و غیر آنها
را فتح نمودند.

این هنگام مملکت اسلام در مشرق نیز توسعه یافت،
چنانکه ماوراءالنهر، خوارزم، وطن های ترک و تاتار، شهرهای
هرات، کابل تا حدود هند و چین بدست مسلمانان درآمد. پس
سلطان محمود سبکتگین ظاهر شده، بهند سفر کرد و شهرهای
بسیاری را بممالک اسلامیّه منضم نمود.

ازین فتوحات اسلامیّه، عالم انسانیت خیلی فائده و
منفعت برداشت. زیرا بسا احوال مدیته، همچون کشتن
دختران و سوختن زنان که از عادات کفر بود، تماماً برداشته
شد. بدین گونه در مدت یک عصر فتوحات اسلامیّه کامل گردید.
پس از انقراض امویان (سال ۱۳۲ هجری) خلافت اسلامیّه

بدو فرقه تفرقه یافت. یکی خلافت مشرق یعنی دولت عباسیه که
 در بغداد تشکیل گردید و دیگری خلافت مغرب یعنی دولت اموی
 که در اندلس تأسیس یافت مسلمانان در آن زمان در جمیع شهرها
 حاکم بالاستقلال بودند چنانکه از اقصای شرق گرفته تا اقصای
 غرب، یعنی از حدود چین و ماوراءالنهر تا دریای مغرب و نیمه
 فرانسه در تحت تصرف اسلام بود. زبان عربی نیز در همه این
 مملکت ها که تقریباً دو ثلث «ربع مسکون» را تشکیل می داد
 منتشر و رایج بود.

چون مسلمانان از فتوحات و غزوات فارغ شدند، بعلم
 و صنعت پرداختند و فقط بعلم دینی، تفسیر، حدیث، فقه اکتفا
 نه کرده، توجه ایشان را بعلم عقلی نیز صرف نمودند و به این
 فرمایش حضرت رسول اکرم ص «اطلبوا العلم ولو کان بالظن»
 (یعنی بجوئید علم را اگرچه در چین باشد) پیروی کرده، شب
 و روز بترویج علوم و معارف کوشیدند تألیفات حکمای یونان،
 هند و فارس را گرد آورده، بحرینی نقل و ترجمه نمودند. در

بغداد، مصر، بخارا، قرطبه و سایر شهرها مدرسه های بزرگی کشا-
وند. به این مدرسه ها از هر سوطلیه ها برای آموختن علوم نقلی
و عقلی هجوم میآوردند.

در سایه این مدرسه ها. در میانه مسلمانان علما و حکماء ظاهر
شدند که با حکمای قدیم یونان همسوی میکردند. بلکه در هر فن،
همچون حکمت، طب، نجوم، علوم ریاضیه و طبیعیه بر ایشان
تقدم می جستند. خلاصه علما و حکمای اسلام که درین فتنه تألیفات
و تصنیفات دارند، باندازه ای زیاد اند که نتوان درین رساله
بشمار آورد. تألیفات و تصنیفات شان نیز از شماره و اندازه
بیرون است. اینک چنین بود احوال اسلام در عهد دو
حکومت اسلامی، یعنی خلافت عباسیه در مشرق و امویة در
مغرب. این حال قریب شش^(۱) عصر دوام کرد. در این زمان
علوم و معارف، صنائع و تجارت دنیا منحصر بملکت اسلام بوده،
همگی بدست مسلمانان بود.

پس از آن برین دو حکومت اسلامی ضعیف و خرابی رو

(۱) یعنی شش صد سال

آورده، بمردان شان سستی و تنبلی غلبه کرد. تا اینکه دشمنان
یعنی کفار مغول از مشرق و فرنگ از مغرب بر ایشان هجوم
آورده، تخریبات و کشتارهای زیاد بعمل آوردند (سال
۴۵۴-۸۷ هجری). کار بدرجهائی رسید که از عمالین و حامیان
اسلام بیش از چند نفر باقی نمانده، همگی بدست آن قوما
کشته شدند.

این قوما از اقوام وحشیه بوده، خیلی وحشانیت را
اجرا نمودند. عساکر جنگیز مردان، زنان و بچهگان مسلم را بغیر
حق و بدون سبب میکشتند. هر آن چیزی که در جلوشان می
یافتند، خراب می نمودند. آومان را بقتل رسانیده، کتاب
و مدرسه را را تماماً محو و نابود میکردند.

ولی فرنگیان درین زمان، در سخت ترین جهالت بوده،
نسبت بمسلمین شدیدترین تعصب و بغض را در سینه های
خود می پرورانییدند. ازین رو با سقاط حکومت شان در
اندلس قناعت نکرده، بواسطه کشیشان متعصب شان

برای شکنجه و عذاب دادن مسلمانان، محکمه‌های تأسیس کردند
که از آنها ابلیس عبرت میگرفت. مسلمانانی که زیر دست و
مطیع ایشان بودند، با آتش میسوختند. چنانکه خیلی ازین
بیچارگان از شدت ظلم، محض خلاصی جان خود، تنصّر کردند
(یعنی بدین نصرانی درآمدند). ولی پس از تنصّریشان هم
نجات نیافتند. بلکه بامر کشیشان سوخته و یا کشته گردیدند.
تا اینکه در جمیع شهرهای آندلس یک نفر هم مسلمان نماند.
بدین گونه آندلس، یعنی مملکت اسپانیا، پورتگال، نیمه
فرانسه، سقلیه و نیمه ایتالیا از دست اسلامیان بیرون شد
(سال ۸۶۰ هجری).

فرنگیان باین ظلم‌های فجیع اکتفا نکرده، از هر طرف آورد پا
در زیر بیرق صلیب جمع شده، بر مملکت‌های اسلام بارها
هجوم آوردند. ولی نه در آسیا و نه در آفریقا چیزی کرده
نتوانستند. مگر از اروپا، یعنی از آندلس مسلمانان را بیرون
نمودند. این کردار وحشیانه ایشان تا روز قیامت در توارخ

ذکر شده سبب لعنت و نفرت ایشان خواهد گردید. جنگهای
صلیب از سال ۴۹۰ هجری شروع شده، (۱۸۰) سال
دوام کرد.

ولی مسلمانان برعکس این، هنگامی که بر آندلس استیلا
یافتند، با نصارا برفق و ملائمت، بهربانی و عدالت رفتار
کردند. بعدل و احسان، مرقت و شفقت حکم نمودند که
این به اعتراف مؤرخان شان ثابت است. اما طائفه
مغول اگرچه با مسلمانان دشمنی خصوصی نداشتند. ولی خون
ریزی در پیش آنها کار آسانی بود. با آدم کشتن و خون
ریزی متلذذ می شدند.

مغول چون از استیلا و جهانگیری فارغ شدند، بنای
حکومت و ریاست را گذاشتند. این گاه دریافتند که
بر قومی که از ایشان بهتراند، ریاست نمودن نمیتوانند.
ازین روزه میان مسلمانان و زرا و عاملان خود را برگزیدند
و ایشان را فرمانروا ساختند. در سایه آمیزش و اختلاط

شان با مسلمین، کم کم بیش ترین مغول اسلام آورده، در
ممالک هند، تاتار، مغول، چین بنشر اسلام کوشیدند.
بدین گونه، داهییه بزرگی که از فرنگیان و مغولان بر مسلمین
رسیده بود، مندرفع گردید.

ولی ازین استیلائی فرنگیان و مغولان، مسلمین را
خسارت بزرگی حاصل شد. این خسارت هم دو گونه بود.
یکی مادی و دیگری معنوی. اما خسارت مادی بیرون شدن
آندلس و سایر نقاط آوروپا از دست اهل اسلام بود، و
اما خسارت معنوی انقراض علوم، معارف و صنائع اسلامیّه
بود. زیرا که مهاجمات کفار و استیلائی اقوام وحشیّه بر
ممالک اسلام زمان درازی امتداد یافت و درین زمان در
همه اقطار عالم جهل و نادانی حکمران و جنگهای پیاپی در
جریان بود. چنانکه ردی زمین با خون غرق شده بود.
علماء مقتول، مدرسه ها خراب و کتابخانه ها سوزانیده میشد.
(چنانچه درین خصوص در تاریخ جهانکشا شاعر میگوید. بدیت

(هنر اکنون همه از خاک طلب باید کرد
زانکه اندر دل خاکند همه پُر هنران (ناشر)
خلاصه کار بجای رسیده بود که هر کس ناچار به شمشیر گرفتن
و جنگ کردن بود. لهذا علم و صنعت ترک و شهرهای آباد
خراب گردید. مملکت های که در دست مسلمین مانده بود، به
دو تنهای کوچک و متفرقه جدا گردیده و در هر گوشه ئی امیری
پیدا شده بود که اینها همواره با یکدیگر جنگیده، خون برادران
شان را بیدریغ می ریختند. چنانکه هر کس که این حال اسف
اشتمال مسلمین را میدید، گمان میکرد که اسلام در غرّه انقراض
و مسلمین در شرف هلاکت اند. ولی «الحق یعلم ولا یعلى علیه»
یعنی حق بلند و غالب است و هیچ پست و مغلوب نخواهد شد.
آفتاب اگرچه زمانی با ابرهای تیره پوشیده میشود، ولی هیچ
محو نخواهد گشت.

این است که غالبان بر اسلام در اندک زمانی مغلوب مسلمین
گردیدند. اگرچه از مملکت های مغرب همچون اندلس و سقلیه

فوت گردید، ولی ایشان در عوضش، دوچند آن را در هند،
چین، جزائر بحر محیط و بلاد زنگی در آفریقا و بلاد سقلاب در
جزیره قریم بدست در آوردند. ممالک اسلامیّه در نهایت
درجه وسعت پیدا کرد.

ولی مسلمین درین عصر بیک حامی بزرگ صاحب اقتدار
ری محتاج بودند که ایشان را از تسلط و تجاوز دشمنان
محافظه نموده، از فتنه و فساد داخله تأمین سازد. این مرام
نیز با ظهور دولت عثمانی حاصل گردید (سال ۶۸۸ هجری).
مردان این دولت بشجاعت و صلابت دینی متصف بوده
از ظلم و فحش نریزی که بیشترین طوائف ملوک مرتکب میکردند
اجتناب مینمودند. برای نشر اسلام و محافظه مسلمین و
اعلای کلمه الله فی اندازه متاعب جنگ و مشاق سفر را
متحمل شدند. چون اهل ایشان خالص و غایه اعمالشان
برای رضای خدا بود، از جانب خدا نصرت برای شان آمد
و خدا ایشان را در جمیع غزوات تأیید نمود. تا اینکه در سائیه

جهد و اجتهادشان مملکت روم، یعنی شهرهای آناتولی را در
زمان کمی تماماً فتح کرده، قدمشان را بخاک آوروپا گذاشتند.
در آوروپا بلاد معروف به «روم ایلی» را فتح کرده، بر بلقار،
صرب، آدرناود استیلا یافته، پس از آن، شهر بزرگ روم
«قسطنطنیه» را گرفته (سال ۸۵۷ هجری) آن را تا کنون
پایتخت سلطنت خود قرار دارند. بدین گونه برای اسلام
خیلی مملکت های تازه وسیع فتح گردید. ولیکن مملکت های
قدیمه در میان دولتهای کوچک پراکنده بودند که اینها برای
نگهداری مملکت قادر نبوده، از رفع فتنه و فساد عاجز بودند.
پس دولت عثمانی را لازم آمد که از آوروپا بسوی آسیا عطف
نظر نماید.

این گاه سلاطین عثمانی برای اینکه ممالک اسلامی را زیر
بیرق خود جمع نمایند، مدتی غزا را تعطیل کردند. سپس
سلطان سلیم بر شام و عراق را گرفته، بمصر سفر کرد. در آن
جا امانت های خلافت را از دست خلیفه مصر که این هنگام

بچیزی قدرت و مکتت نداشته، تنها با اعتبار خلیفه بود، تماماً به دست خود گرفت و بدین گونه خلافت و سلطنت اسلامیّه بدست اهلش رسید (سال ۹۲۲ هجری) .

بعد ازین برای اسلام دور جدیدی کشاده شد. چنانکه دور سعادت که در زمان حضرت عمر رض و در وقت خلافت بنی امیه و بنی عباسیه ظاهر بود، گویا اعاده گردید. دلهای عموم مسلمین شاد شده، برایشان پس از کربت و تنگی فرج و کشائش حاصل گردید .

پس بار دیگر سلطان نظر خود را بسوی آوروپا معطوف داشته، از شهرهای آباد آوروپا مجارستان، ترانسوآنیا، بیسارابیا و غیره را فتح کرد. خانهای قریم، قپچاق و غیر آنها که از خانهای تاتار بودند، همگی بزریر حمایه دولت عثمانی در آمدند. این گاه رئیس دریائی خیرالدین که به «بارباروس» مشهور است، ظاهر شده، بیشترین ممالک بربر را همچون برقه، طرابلس غرب، تونس و جزائر، بر ممالک عثمانی ضمیمه

ساخت . تا اینکه برای دولت عثمانی در دریا نیز قوت کاملی
و برابر سطوت خشکی اش سطوت بزرگی حاصل گردید .

همه اینها برای دولت عثمانیه ، در عصر سلطان سلیمان
بن سلطان سلیم واقع شد . درین زمان بود که دولت عثمانی
به انتهای ترقی و کمالات خود رسیده و جمیع دولتهای آوروپا
از سطوت او در هراس و خوف بودند . چنانکه دولتی که آنگاه
بقوت ، علم ، مدنیت با این دولت برابری و همسری کرده
تواند ، در روی زمین پیدا نبود . زیرا اهل آوروپا آن
زمان از مدنیته که امروزه در ایشان مشاهده می نمایم ، خیلی
دور بودند .

اما ممالک اسلامی که داخل بدائرة دولت عثمانی نه
بود ، همانا در آفریقا از غرب اقصا ، یعنی مملکت های فارس
و مراکش و بلاد زنگیان ، همچون سودان ، زنگبار و عنبره
عبارت بود . ولی در آسیا بیش از آن بود . زیرا ایران (یعنی
ممالک فارس ، خراسان و عراق عجم) و افغان (یعنی جوانب

هرات، کابل، قندهار و کلات) و توران، یا ترکستان (یعنی بخارا، خوارزم، ماوراءالنهر) و چین و جمیع بلاد تاتار، هند و سند یا همه اینک ممالک اسلامیّه بودند، از دائره ممالک اسلامیّه خارج بودند. با وجود اجتهاد و غیرت فوق العاده بعضی پادشاهان عثمانی، مانند سلطان سلیم خان، دولت عثمانی را با سیای وسطی استیلا و اتساع ممکن نگشت.

چون ملت های آوروپا قوت و فزونی یافتند و در بلاد فرنگ دولتهای عظیم الشوکة نصارا ظاهر گردید، معلوم است که اندیشه و قصد نخستین نصرانیان انتقام گرفتن از مسلمین و غلبه جستن بر ایشان بود. ولیکن ایشان قادر بر پیچیده گر دیدند، بجز اینکه ممالک چندی از نصارا را، همچون مجاریستان، بیسارابیا و ترانسوآنیا که مسلمین پیش استیلا کرده بودند، پس گرفتند. همچنین مملکت های قریم و قفقاز در آوروپا و جزائر در آفریقا که در تحت حمایت دولت عثمانیه بود، بدست نصارا گذشت. این امر باید که از برای

معتبرین اسلام عبرت بزرگی باشد .

مایخواستیم که تا اینجا فتوحات اسلامی و آن دو لتهای که
در نشر دین و حمایت مسلمانان کوشش و اجتهاد نموده اند ، ذکر و
نقل کنیم . لهذا جملاً از کیفیت انتشار دین مبین در سایه
غزا ، به اقطار عالم ذکر نمودیم . ولی برای نشر اسلام امر مهم
دیگری بود که مؤرخین از ذکر آن ایهمال نموده اند و این -
انتشار دین است بنفس خودش بی فاتح و شمشیر و بدون
جنگ و لشکر . این اگر چه در نشر اسلام بیش از شمشیر و غزا
نائل مطلقیت نشده است ، ولی از آن کمتر هم خدمت نکرده ،
بلکه با آن برابر موفقیت دیده است .

امروز مای بینیم که اهل آفریقا ، تا ماورای خط استواء ،
جمیعاً ، همچنین بیشترین جزیره های که در بحر محیط کسیر
واقع اند ، خیلی از اهل چین ، خصوصاً اهل « یوننان » مسلم
هستند . ماییدانیم که برین مملکت های دور دست هیچ دولت
اسلامیه ای استیلا نکرده است . پس معلوم است که اهل این

مملکت های دُور دست فقط بخوابش خودشان ، بالهام خداوندی
بیا به تبلیغ تاجران و مسافران اسلام آورده اند ، زیرا نشر
اسلام بواسطه غزا از دور سلطان سلیم قطع شده بود . ولی
انتشار اسلام بنوع دویم که ذکر نمودیم ، امروز بیش از پیش
بعمل می آید .

این دلیل واضح و برهان قاطع است بر اینکه حامی اسلام
خداوند تعالی در و حانیت حضرت رسول علیه الصلوة والسلام
است . پس خداوند تعالی برای انتشار دین خود بین بندگانش
در هر عصری سببی خلق میکند و در هر عصر با بهترین و موافق
ترین سبب همانا تلقین و تبلیغ میباشد . هر کس که امروز
خواهش جهاد داشته باشد ، باید که زحمت و مشقت های سفر را
اختیار نموده ، در اطراف دنیا گردش کند . درین کار او هم
غزا و هم شهادت موجود است . چنانکه در جهاد بچنگ موجود
میباشد . زیرا کسی که بشهر های دُور و جا های نامعلوم سفر نماید
هر آینه بنشر اسلام موفق خواهد شد که در آن صورت غازی

است، یا اینکه در حالت غربی می میرد یا کشته میشود که در
این صورت شهید میباشد. پس در هر دو صورت او خوش بخت
است در هر دو جهان برای او مزد بزرگی است در نزد خدا-
وند تعالی!

این گونه جهاد در هر عصری واقع بوده، در عصر ما نیز بیش از
بیش واقع میشود. زیرا ما می بینیم که دین مبین ما هر روز در جا-
های دور آسیا و آفریقا وسعت و انتشار می یابد. بسا میشود
که همه یک قوم تماماً در یک روز اسلام می آورد. (چنانکه
درین سالهای آخر در آمریکا و چین چند صد هزار نفر اسلام
آوردند. ناشر) خیلی ممالک اسلامی موجود است که هنوز
در پیش ما محمول میباشد. گاهی مسافرین فرنگستان بشهرهای
نامعلوم آفریقای جنوبی، چین، جزائر بحر محیط کبیر که پیش
اهل آن جا را بت پرست و یا متدین بدین دیگری گمان
میکردند، سفر کرده اند، چون مسلمان بودن آنها را دیده
اند، تعجب بزرگی نموده اند.

امروز مقرر شده است که دین اسلام در روی زمین،
بیش از آنکه اهل جغرافیا و تاریخ گمان داشتند، انتشار
یافته است و شمارهٔ مسلمین زیاده از آن است که می پنداشتند
زیرا که اسلامیت درین زمان مابین جنگ و غزا انتشار پیدا بد
بسا اقوامی هستند که شام کافر بوده، بایداد مسلمان گشته اند.
بهر جا که نور اسلام طلوع می کند، کفر همچون برفی که در
تابستان، مقابل آفتاب باشد، میگذارد. با نور درخشان
اسلام، گلهای علم و معارف، انصاف و عدالت می شکوفد.
از برکت اسلام شهرها آباد و بندگان آسوده میگردند، مردمان
بجگرهٔ انسانیت کامله که از ارکان اسلام و نتایج ایمان است،
داخل میشوند.

می بینید اقوام وحشیه را که افراد آن از حلیهٔ بشریت
عاری بوده، گوشت انسان را می خوردند، در غارها و جنگلهای
بمانند بهائم زندگی کرده، برای خوراک شان غریب و مسافران
را بقتل می رسانیدند. با انواع فواحش مرتکب گردیده، ناموس

زنان و دختران را میدریدند. کوشش و کسب نکرده، همواره
بدزدی و غارت مشغول بودند. بپایه‌ی گرفتار زشتی و چرکینی
بودند که هر کس ایشان را میدید، بی اختیار نفرت و کراهت
می نمود.

ولی اینها چون اسلام آوردند، یکباره تغیر و تبدیل یافتند.
طبیعت و طبیعت شان تماماً دگرگون شد. چنانکه می بینید در
مدنیت و حضرت بچه پایه رسیده و بچه سان ترقی کرده اند.
بحلیه رفق و ادب آراسته، اهل ناموس و صلاح شده اند.
غریب و مسافران را مراعات و همانان را اکرام مینمایند. بسی
و اکتساب زندگی میکنند. معروف را تحصیل و از منکر پرهیز
دارند. در میان شان محبت و الفت، وفاق و انسیت بپا
میدارند. خواندن و نوشتن می آموزند. بصنعت و هنر
پردازند. از زشتی و چرکینی خود را پاکیزه نگاه می دارند.
چنانکه هر کس ایشان را ببیند، بحال شان غبطه می خورد.
گویا که ایشان شام بهائم بوده، با مداد انسان گردیده

اند. هر کس آنها را پیش از اسلام آوردن شان دیده با-
شد، اکنون باور نخواهد کرد که همان آدمان سابق هستند.
این - نیست مگر بزرگ ترین معجزه اسلام. مابرای اثبات
فضیلت و برتری دین مان اغراق گویی و مبالغه نمی کنیم.
بلکه این حقیقتی است که کافران را جائی هیچ انکاری نمی
باشد. و همه آن هائی که از فرنگستان در آن شهرهای دور
مسافرت کرده اند، این مطلب را اثبات نموده اند. ۱-
ینک مامشادات بعضی سیاحان دانشمند انگلیس را در این جا
نقل می نمایم یکم از ایشان می گوید:

« اسلام دینی است که زمین را از بتها پاک کرد. ذبح
انسان و خوردن گوشت او را منع نمود. حقوق زنان را
تأمین و بسیار زن گرفتن را بحد مشروع و معقول تحدید
ساخت. رشتۀ اتحاد اهل خانه را در بین افراد آن محکم
نموده، غلام و بنده را فردی از افراد عائله قرار داد. برا-
ی آزادی ایشان در با و راههای بسیاری کشاد. اخلاق

عامه را بقوت ارکانش، همچون نماز و زکوة، اکرام محان و
تأمین مسافر، تزکیه می نماید. وظایف زبردستان را بازیر
دستان مساوی میدارد. بنای جماعت را بر اساس
محکم تأسیس می کند. ظالم را بغضب خدا ترسانده، مظلوم
و فقیر صلح را برحمت، اجز و سعادت آن جهان دلداری
میدهد. اینک این حسنات نمونه از نعمت های فراوان
ن اسلام است که هنگام استیلایش بر اقوام غیر متحده می
بخشد....

ما می توانیم از زبان فرنگیان منصف که چون حقیقت را
آشکارا دیده، در مسافرت شان تجربه نمایند، پرده بر
روای آن نخواهند کشید، شهادت های بسیاری ذکر کنیم.
و لے ذکر رساله ای که یکے از کشیشان انگلیس تألیف و نشر
کرده است، برای ما کافی می باشد.

این کشیش از طرف جمعیت لوندون که برای نشر
نصرانیت تأسیس یافته است، با فریق فرستاده شده بوده

که نشر دین عیسوی نماید. مشار الیه در بلاد مغرب واقع
در ماورای خط استوا، بیت سال تمام ساکن بوده،
در میان اقوام زنگی تبلیغ و تلقین دین نصارا نموده
است. و لے پس از کوششهای بسیار و تجربه های
در از فهمیده است که اهل آن بلاد نصرانیت را قبول
نمی کنند و الهائے که طوعاً و کرهاً قبول نصرانیت می
نمایند، جماعه فی نجیله کم هستند که هنوز از وحشیّت قبیله
اشان خلاص نمی شوند. بلکه وحشیّت آن ها افزون تر
و شنیع تر میگردد.

و لے دین اسلام در میان آنها طوعاً انتشار ییابد
و او را بر غبت تمام قبول می نمایند. این دین ایشان
را فوراً بقوم مانوسی تبدیل داده، بسرعت تمام مؤدب
شان می گرداند.

کیش مذکور درین امر بحق و انصاف تأمل نموده،
رساله مذکور را نوشته و این احوال را تفصیلاً ذکر کرده

است. سپس بفرنگیان توصیه نموده که اگر خواسته باشند آن اقوام را از وحشیت و جهالت ربایی داده، بدائرة حضرتیت و مدنیت داخل نمایند، باید در میان آن ها فقط بنشر دین اسلام بکوشند.

همچنین می گوید که: «اسلام برای خلاصی، روی زمین از شرک و بت پرستی و فحش کردن انسان در زیر پای سی بتان، سبب یگانه فی می باشد. اما نصرانیت به این امر هیچ صلاحیت ندارد».

این رساله او مشهور است و کسی آن را رد کرده نتوانسته است. ولی توصیه کشیش مذکور را فرنگیان نشنیدند. زیرا ایشان نمی خواستند که اقوام وحشی از وحشیت ربایی یابند. یگانه مقصد فرنگیان آن است که برایشان استیلا یافته، شهرهای شان را ضبط و خود آن بیچارگان را محو نمایند. چنانکه این کار در آمریکا واقع شد و هر روز در جزیره های بحر محیط واقع میشود.

پوشیدہ نیست کہ اہل آوروپا براے نشر دین شد۔
ن در اقطار بعیدہ عالم، جمعیت ہائے مخصوصی تائیس
کردہ، براے این کار و این مقصد مبلغائے گزاف
صرف می نمایند بجهت یارے و یا حمایہ کشیشان شان؛
ہموارہ باکشی ہا عسکر و توپخانہ گیل می دارند۔ باہمہ
این نصرانیت بجز اندکے، انتشار نمی یابد۔

اما اسلام بنفس خود در روسے زمین ترقی و انتشار
یافتہ، افراد آن روز بروز فزون ترمی گردند۔ این
نیست مگر از فضل پروردگار عالم۔ پاک است خدا۔
وندی کہ فرمودہ است: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»
(حق آمد و باطل محو شد)۔ ہر گاہ براے نشر اسلام،
بہجوں براے نشر نصرانیت، سعی و کوشش میرفت،
ہر آئینہ دین اسلام در قطعہ ہائے آسیا، آفریقا و جزائر
بحر محیط دین عمومی می گردید۔

در عصر ہائے گذشتہ، زمانے در آوروپا نیز براے

نشر اسلام جهد و کوشش بعمل آمده . چنانکه امیران دولت
امویة در مغرب ، سلاطین دولت عثمانیة در مشرق ، تیمور
لنگ در شمال دیرین باره کوشیدند . ولیکن در آوروپا
دین اسلام منتشره نگردید . شمارہ مسلمین درین قطعہ
خیلے کم است کہ بیش ترین آنها ہم فقط ہنگام فتح ، با
سجاء ہجرت نموده اند . اکثر آنهائے کہ از اہل آوروپا
اسلام آورده اند ، آرنالود و اہلئے بوسنہ می باشند کہ
این ہا دین حق را بدست فاسخین دولت عثمانی پذیرفتہ
اند . این ہا در دین اسلام تعصب کاملے دارند و شمارہ
ایشان تقریباً یک بیون و نیم می باشد .

درین عصر ما نشر اسلام در قطعہ آوروپا خیلے دشوار
است زیرا اہل آوروپا امروز بدو فرقہ منقسم ہستند :
فرقہ منکرین و فرقہ معتقدین . ولے معتقدین در نصرائیت
خود متعصب بودہ ، مسلمین بغض و عداوت بزرگی دارند
اما منکرین دو قسم اند . قسمی تنہا بخدا ایمان آورده ، بہ

آخرت و وحی هیچ اعتقاد ندارند. قسمی دیگر بخداوند تعالی
هم منکر می باشند. ولی همه این با متفق هستند بر اینکه
اسلام حق ترین و بهترین ادیان است. لیکن این با خود
را از دین مستغنی می دانند. ازین رو گفتیم که نشر اسلام
در قطعه آوروپا دشوار، بلکه محال است.

محققان اتفاق دارند بر اینکه دینی که در قطعه آسیا،
آفریقا و جزائر بحر محیط قابل انتشار باشد، همانا اسلام است.
است و پس. ولی برای انتشار نصرانیت فقط قطعه
آوروپا و آمریکا قابل می باشد. بعضی از دانشمندان
سیاح روس می گویند که مملکت وسیع چین بزودی
وطن مسلمین خواهد گشت و پس از یک، یا دو عصر اهل
چین که شماره اشان چهار صد میلیون میرسد، تماماً اسلام
خواهند آورد. زیرا اسلامیت در آنجا روز تا روز در
ترقی و شماره مسلمین در تزايد می باشد.

اینک ازین حال اهل آوروپا زیاده در اندیشه و

هراس هستند. اهل چین اگرچه از جهت نفوس از همه ملت ها
بزرگ تر و شماره اشان از جمیع ملت های آوروپا بیش تر است،
ولی با همه این، همچون ربه گو سفندان از تمدن محروم اند.
چونکه دین حاضره ایشان برائے جنگ، شجاعت، ترقی
و تمدن مساعدت نیست. این ها چون بدین اسلام که
بغز او جهاد امر می نماید و اگر در راه دین و وطن شان
بمیرند، بشهادت و سعادت جاودانی مرده می دهند، تلج
گردند، کسے را یارای مدافعه آنها و مقابله با آنها نخواهد
بود.

همچنین در هند که حکومت انگلیس جمیع قوه خود را
برائے تنصیر اهل آن صرف می نماید، تاکنون نتوانسته
یک نفر از مسلمین آنجا تنصیر کند. ولی از مشرکین
آنجا اگر یک تنصیر نماید، هزار نفر اسلام می آورند. بدین
گونه اسلام در هند، همچون در چین و جاپائے دیگر تر-
قی می یابد. با همه اینکه حکومت هند نصرانی بوده، برای

ترویج دینش میکوشد، نصرانیت در آنجا پیش رفت ندا-
رد.

شماره مشرکین روی زمین از شماره مسلمین و اهل
کتاب بیش تر بوده، همه آنها برای پذیرفتن اسلام -
مستعد هستند. پس اگر آنها اسلام آورند. گویا همه بنی آ-
دم اسلام آورده است. آنگاه شک نیست که شرک و کفر
محو شده، روی زمین از نتیجه مردار آن همچون ذبح
انسان و خوردن گوشت مردمان، کشتن دختران و با-
تش سوختن زنان و غیر آنها که از عادات جاہلیت است،
پاک خواهد شد.

اما اهل آوروپا همین که فهمیدند مشرکین نصرانیت

(۱) چنانچه نظر بحساب جغرافیون سال ۱۹۲۲ میلادی در تمام کره
ارض یکمزار و نه صد نفر انسان موجود اند. ازین جمله تخمین چهار
صد میلیون مسلمان، پنج صد و چهل میلیون نصاری، ده میلیون یهود، باقی آن
صد و پنجاه میلیون اهل مجوسی می باشد. که اکثر آنان مملکت وسیع چین،
هندوستان و ژاپون را اشغال می نمایند ناشر.

را قبول نمی کنند، برای محو آن بدبختان و دین شان کو-
شیدند. ایشان را بمانند بنایم شکار نموده، بقتل رسا-
نیدند. وطن های خالی مانده ایشان را با مهاجرین خود
پُر ساختند. چنانکه این کار در چندین جزیره های بحر
محیط اجرا گردید. این البته ظلم بزرگی است.

ولیکن مسلمانان برای ضبط بلاد مشرکین و کشتن آ-
نها هیچ قصد نه کردند. بلکه مقصد ایشان فقط نشر اسلام
در بین مشرکین و ازاله شرک و کفر از میان ایشان بود.
ازین رو مسلمین در پیش ایشان محبوب و نصارا منفور
می باشند. هرگاه ما همچون نصارا برای نشر دین مبین
مان جمعیت های تأسیس نموده، مبلغهای بزرگ
برای این مقصد صرف می نمودیم، در دنیا هیچ مشر-
ک که اسلام نیاورده باشد، باقی نمی ماند.

چون دین اسلام بے سعی انسانی انتشار یافته و چون
ما برای جهاد مکلف نیستیم، گمان میکنم که درین مرام

نشر اسلام

۳۳

جہد بر ما واجب باشد۔ تا اینکه انوار اسلام در اقطار عالم
نشر گردیده، اہل آن از تاریکی شرک و جہل، بلکہ از
ہلاکت رہائی یابند۔ زیرا اگر مسلمین در حال خود باقی ما-
ندہ، غفلت و کاہلی ورزند، ہر آئینہ اہل آورو پابریشا-
ن استیلا یافتہ، براے اینکه زمین و مالمائے شان را
ضبط نمایند، ایشان را ہلاک خواہند ساخت۔

مشرکین و مجوس با آنکہ جاہل اند، این حقیقت را درک نمیانند
ازین رو اگر در میانشان تبلیغ و تلقین کردہ شود، ہمگی براے
قبول اسلامیت حاضر می باشند۔ ایشان یقین میدانند کہ چون اسلام
آوردند، ازین مملکہ نجات خواہند یافت۔ زیرا انصار ابضر مسلمین چیز
ی کردن نمیتوانند۔ پس اگر ما جہد نہائیم، توفیق با ما ست و اگر
تنبلی و رزیم و بال آن ہم برگردن ما خواہند بود۔ زیرا
اہل آورو پامہلت ندادہ، ہموارہ میکوشند۔ خصوصاً
درین سالماے آخر بر سعی خود خیلے افزودہ اند کہ
شاید در ہائے کہ امروزہ براے ترقی اسلام کشادہ شدہ

است ، بند نمایند .

پوشیده نیست که برائے هر چیز اسبابے است . ازین
رو هر کس حصول چیزے را خواسته باشد ، باید که به اسباب-
ب آن التزام نماید . محکم ترین و قوی ترین اسباب این
مقصد همانا برپا داشتن مناسبات و ارتباط دوستانه در
میان جمیع مسلمانان دنیا است . ما در این جا اتحاد سیاسی
و مذہبی را قصد نمی کنیم . زیرا اتحاد سیاسی در میان مسلمین
خیبے دشوار و اتحاد مذہبی هم محال می باشد . بلکه مراد ما
ازین ارتباط ، ارتباط دینی و شرعی است . و این برای
مسلمین در هر مذہبے که باشند ، و بکدام دولتی که تابع اند
واجب است .

چنانکه نصرانیانے که در تحت تبعیت دولتهای
اسلامیہ اند ، در امورات دینیہ اشان رؤسای
روحانی اشان را متابعت می نمایند . همچنان مسلمانانی
که در تحت تبعیت دولتهای نصرانیہ ، یا در تحت

اداره یکے از امرای اسلامیّه می باشند، لازم است که در
امورات دینیّه اشان تبعیّت خلیفه مشروع شان را نمایند
و آن سلطان عثمانی است بدون خلاف پس برای جمیع
بلاد اسلامیّه واجب است که با دارالخلافه اسلامیّه مناسبا
ت محکم و ارتباط قوی برپا نمایند. چون این ارتباط، ارتباط
ط معنوی و دینی است، لهذا کسی را در آن هیچ گونه سختی
و مشکلات نخواهد بود.

زیرا شریعت اسلامیّه مسلمین را امر می نماید که در
امورات دینیّه، امر خلیفه مشروع خود را پیروی کنند پس
اگر مسلمین به این امر شریعت توکل نمایند، هر آینه در
بین جمیع ملتهای اسلامیّه دنیا ارتباط حاصل خواهد شد.
در این جانا چاریم که مختصری از ملتهای مشهور را -
سلامی و تقسیم آنها در ممالک اسلامیّه ذکر نمایم.
بزرگ ترین ملت اسلامیّه عرب است. اسلام در
میان عرب ظاهر شده و پیغمبر ما علیه الصلوٰة والسلام

از عرب بوده است. ازین رو عرب را بر جمیع ملتهای
اسلامیه شرافت و برتری می باشد. شماره نفوس ایشان
تقریباً شصت ملیون بوده، در جمیع جزیره عرب یعنی
حجاز، یمن، حضرموت، مسقط، نجد، بحرین، و سوریه
(یعنی بر شام، ارض فلسطین) و جزیره عراق، مصر، بقیه
طرابلس غرب، تونس، جزایر، غرب اقصا یعنی فاس
و مراکش، و صحراهای کبیر تا بلاد زنگبار منتشر می باشد.
زبان مسلمین عموماً عربی است و این زبان عربی،
فصیح ترین و شیرین ترین زبانهای روی زمین میباشد.
قواعد مضبوطه و کتابهای موجوده آن به اندازه ای است
که بشمار نیاید. عربها خاصیت غریبه دارند که هر کس
با آنها آمیزش نماید، حکماً عرب می گردد. حال آن که
این خاصیت در عجم نیست. این است که شماره آن ها
روز تا روز افزون می شود. از اقوام نصرانی، سریانی،
نیان و دیگران نیز مستعرب می باشند. ایشان زبان و

خط عربی را در همه امورات دنیوی و اخروی اشان استقامت
ل می نمایند. اینک در ادبیات عربیه شعبه نصرانیّه نیز پیدا
شده است و این خیل غریب است که این نصرانیان
در علم و معارف بیش از مسلمین ترقی کرده اند. لهذا
مسلمانان را واجب است که درین باره هم سعی و تقیّد
بکار برند، تا اینکه هم در فصاحت و ادبیات و هم در
معارف جدید بر نصارا تقدّم و سبقت گیرند. چه زیبا-
ن عربی، زبان اسلامی می باشد.

یکی از بزرگ ترین ملت های اسلامیّه، پس از عرب،
ملت ترک است که نفوس این ها تقریباً بیست و پنج ملیو
ن می باشد مملکت های که ترکان سکونت دارند، از در-
یای (وندیک) در آوروپا، تا داخل چین در آسیا، از بیا-
بانهای منجه در سیریا تا حدود هند، عراق و بر شام ممتد
است. ترکان اگر چه بشعبه های بسیاری منقسم می گردند،
ولی ممکن است که آن ها را بر سه قسم اختصار نمود: قسم

اول ترکان غرب، یعنی عثمانیان اند که این با در بلاد روم،
یعنی روم ایلی در آوروپا، و آناطولی در آسیا، ساکن
هستند و شریف ترین اقوام ترک این با می باشند. زبان
شان هم فصیح ترین و شیرین ترین زبان با می ترک
است.

ترکان مدت شش صد سال است که حفظ و حمایت مسلمانان
و در اعلامی شان و شکوه اسلام جهد و کوشش می نمایند.
ایشان بجز سه مملکت، یعنی جزایر که فرانسه بغیر حق استیلا
کرده، غرب اقصا که در آفریقا و مسقط که در جزایر عرب
است، در تمام بلاد عرب حاکم و فرمانروا هستند.
قسم دوم ترکان شرق اند که در ماوراءالنهر، فرغانه
و چین، یعنی توران قدیم سکونت دارند. این مملکت
با در قدیم وطن خاص ترکان بود. زبان ایشان اصل
و زبان عثمانی فرع می باشد. این زبان، به «جغتائی»
معروف بوده، بخلاف زبان عثمانی درشت است.

دیرین زبان کتابهای قدیمه، ادبیات و اشعار موجود است
و لے زبان عثمانی شیرین بوده، در معارف جدیدہ بر آن-
امتیاز دارد.

قسم سوم تاتاراند که ایشان در نواحی بحر خزر و در
ممالک روسیہ کہ در قطعہ آذربایجان است، خصوصاً در بلاد قاز-
ران و جزیرہ قریم ساکن می باشند. زبان این ها بین ترکی
جغتائی و ترکی عثمانی است. بجز ترکان عثمانی، ترکان دیگر
استقلال ندارند. چنانکہ ترکان شرق و تاتار در تحت
استیلای روس و ترکان شرق اقضا، یعنی کاشغر و چین
در زیر اداره چین می باشند.

یکے از بزرگ ترین ملت اسلامیہ ہم فارس اند کہ
وطن اصلئے این ها ایران، یعنی بلاد فارس، عراق عجم،
مازندران و خراسان است. فارس ها در افغانستان،
بلوچستان، کابلستان، هرات، کلات، تاجیکستان،
شمالاً و وسط ہند جنوباً منتشر می باشند. زبان ایشان اشرف

زبان های اسلامی است بعد از عربی که آسیای وسطی آن را
برای خودشان زبان ادبی فرا گرفته اند.

اهل افغانستان و بلوچستان اگرچه بلغات مخصوصی گفتگو
می کنند، ولی زبان ادبی و رسمی ایشان فارسی بوده بهیچ
به این زبان خوانده، می نویسند. همچنین بیشترین ترکان
ماوراءالنهر (و تاجیکان ترکستان)، نیز این زبان را استعمال
ل می نمایند. در هندستان هم مسلمین تا درین زمانهای
نزدیک بفارسی میخواندند و می نوشتند، چنانکه ذکر خواهد
شد. باهمه این، آن هائی که بزبان فارسی متکلم اند کم
هستند که شماره آنها از بیست میلیون متجاوز نیست. ولی
این زبان فارسی را اکثر مسلمین آسیای وسطی میدانند
و این زبان در میان زبان هائی اسلامی، درجه دوم
را می گیرد.

چهارم ملت های اسلامی، مسلمانان هند می باشند
که شماره ایشان تقریباً هشتاد میلیون است. این ها نیز

بشعبه ہائے زیادہ منقسم ہستند۔ این ہا تا زمانہای نزدیک
در خواندن و نوشتن، زبان فارسی را استعمال می کردند
و زبان خودشان را فقط در گفتگو بکار می برند۔ ولی دین
زمانہا، بزبان « اردو » کہ فصیح ترین و بزرگ ترین زبان
ہائے شان است، خواندہ، می نویسند۔ درین زبان کتابہا
بہائے بسیار موجود و روزنامہ ہای متعدد در بلاد ہند
منتشر است۔

در جہ پنجم را در میان ملتہای اسلامیہ (ملائیان) می
گیرند۔ این ہا اہل سواحل ہند شرقی و جزایر بحر محیط
می باشند این ملت در ہمہ جہات بحر محیط کبیر منتشر ہو
دہ، در آجہ، سومترہ، جاوہ، بورنیو، کینتہ الجدید، مداغقر کہ
جزیرہ بزرگے است در نزدیکی آفریقا، سکونت دارند۔
ہچنین در جزیرہ ہائے کہ نزدیک آمریکا واقع است،
این ہا را می توان دید۔ از ملائیان آنہائے کہ در سواحل
ہند شرقی، ہچون آجہ، سومترہ و در جزائر بحر محیط ہندی

بمانند جاوه، بورنئو و کینته الجدید سکونت دارند، جنگلی مسلمانان هستند. و لے آنانے که در جزایر دور دست ساکن اند، در شرک و کفرشان باقی مانده اند. مسلمانان از آنها بوده، و لے از آنها بیش تر می باشند بزبان آنها میخوابند و می نویسند و درین زبان کتاب بسیاری دارند. پس از ذکر ملتہائے عظیمہ پنجگانه اسلام، لازم می آید کہ از ملتہائے زنجیہ کہ در قطعہ آفریقا سکونت دارند، سخن رانده شود زنگیان ملتہائے کثیرہ مختلفہ می باشند کہ ہر کدام بزبان مخصوصی تکلم می نمایند. چون این رسالہ گنجایش تعداد اجناس آنها را ندارد، لهذا اجمالاً از آنها ذکر می نمائیم:

اولاً شمارہ ایشان بیش از آن است کہ گمان میکردند چونکہ سودان شرقی و غربی و منابع نیل مصر و نیل سیاه، یعنی بلاد وسیعہ کہ در وسط قطعہ آفریقا واقع است و همچنین سواحل شرقیہ تا زنگبار، با اہالی زنجیہ

مسلمه مسکون اند، ثانیاً دین اسلام در بین ملتہائے زنجیہ
بیش از آنکہ گمان میرفت، منتشر می باشد. چون تحقیق
شده است کہ بیش ترین جاہے ماورائے خط استوا
کہ تاکنون مجهول بود، تماماً با اہالی اسلامیہ مسکون می
باشد. آنہائے ہم کہ تاکنون اسلام نیاورده بودند، اینک
ہر روز قبول اسلام می نمایند. درین صورت مای توانیم
تخمین نماییم کہ نفوس ملتہائے زنجیہ مسلمہ در آفریقا
کتر از ہفتاد - ہشتاد میلیون نیست. ملتہائے زنجی بزرگ
بان خود نوشتن و خواندن نمی دانند. تنہا علمای شان
کہ بزبان عربی قرائت و کتابت می نمایند.

علاوہ براین، در جمیع اقطار اسلامیہ قومہای کو-
چک اسلام نیز پیدا ہستند. ہیچون کرد، اقوام افغا-
نستان، چرکس، آرنوٹ، بوشناق وغیرہ این ہا کہ حاجت
بشمردن آنہا نیست. این قومہا نیز بزبان عربی و بزبا-
نہائے کہ بہ ایشان نزدیک است، ہیچون ترکی و

فارسی خوانده می نویسند. اما مسلمانان چین چون از مراکز اسلام - دور اند، فقط قرآن کریم را عبری قرائت کرده، و لے زبان شان را مجبورند که بخط چینی سقیم تحریر نمایند. برای اینکه در بین این ها علوم عربیه و شرعیه نشر و در میان این ها و عالم اسلامیت مناسبات تأسیس گردد، سعی واجب است.

پس جمیع مسلمانان دنیا تقریباً دو صد و شصت ملیون اند و زبان عربی در جمیع ممالک اسلامی، زبان عمومی می باشند. زیرا کلام الله قدیم در جمیع این مملکت ها خوانده و حفظ کرده می شود. تمام علما در جامعها و مدرسه ها علوم شرعیه را به این زبان تدریس می نمایند. پس برای هر مسلمانی لازم است که علم این زبان را بداند.

پس از عربی فارسی می آید. این زبان نیز زبان اسلامی است که همه اهل آسیای وسطی آن را میدانند و قومان -

بسیاری، همچون ترک، هند، کرد و غیره، این زبان را
می آموزند. زبان فارسی نیز بخط عربی نوشته می شود و
بالغات و اصلاحات عربی آمیخته می باشد. گویا که این
زبان - فرعی از فروع عربی است.

پس از فارسی سه زبان دیگری است که با خط عربی
نوشته می شود و آن ترکی (که منقسم بدو شعبه است. چنا-
نکه ذکر نمودیم) و هندی (که اردو و ملائی نامیده میشود)
اتاترکی و هندی با الفاظ عربی و فارسی مخلوط است و
اتاملائی فقط جامع کلمات عربی می باشد.

اگر زبان عربی زبان جمیع مسلمانان می بود، نیکوتر
و بهتر می بود. ولی چون در روی زمین ملتها و قو-
مهائے موجود اند که بزبان غیر عربی گفتگو می نمایند،
لذا به این ملتها و قومها بهتر و نافع تر آن است که بزبا-
ن غیر عربی خود بگویند و بنویسند. چنانکه ملتھای چهار
گانه مذکوره بزبان خود تکلم و کتابت می نمایند. برای مسلمین

خیرت درین بود که بسواے زبانهای پنجگانه، یعنی عربی، فارسی، ترکی، هندی و ملائی، زبانهای دیگر مسلمانی را نیز، همچون زبان کردی، چرکس، اقوام زنجیه و غیره، کتابت نمایند. زیرا عربی مخصوص است، برای علمای که همه اوقات خود را در تحصیل آن صرف میکنند.

همچنین این زبان را هر کس آموختن نمی تواند. لهذا عوام اقوام و ملت های مذکور که اگر بزبان خود کتابت نکنند در جهل خواهند ماند. و جهل منافی اسلام است. بیش ترین عوام این اقوام از حقیقت اسلام و احکام حق آن غافل می باشند. اگر جمیع زبانهای اسلامیه بخط عربی تحریر یافته، بهر یک ازین زبانها کتابهای دینی و شرعی و موعظه های هادی و مرشد تألیف می گردید هر آینه برای نشر اسلام و تعلیم انوار نجات بخش آن خدمت بزرگی می بود.

با وجود این، در تعلیم زبان عربی و تشریح عالمان این

نشر اسلام

۴۷

زبان اجتهاد و اهتمام واجب است. زیرا این کار برای اتحاد
مسلمین رابطه قوی و بجزت تأکید احکام دین مبین واسطه
ساله می باشد. ما برای برادران رشید خود که همه جهد و کوشش
خود را در نشر اسلام و تعمیم معارف اسلامی، در جمیع اقطار زمین
صرف می نمایند، توفیق درخواست می کنیم و این رساله برای
ایشان هدیه و یادداشت می باشد. خداوند همه برادران دینی
را محافطه نموده، توفیق دهد.

این رساله نوشته شد در دار الخلافه قسطنطنیه، خداوند
او را و صاحبش را از همه آفت و داهیه ها بگمارد، در سال
هزار و سی صد و دوم هجری نبوی علیه الصلوٰة والسلام.

۱۳۰۲

آثر شمس الدین سامی

علاوه ناستر

اگرچه از شومئ نفاق خانگی و نزاعهای درونی، ممالک اسلام
پارچه-پارچه شده، مستملکات کفار گردیده و مسلمین از آن
شان و شوکت اسلامی جدا شده، از علم و هنر بکلی بے بهره
مانند، نه تنها علمای روحانی و مبلغین اسلامی از ترویج شر-
یعت مقدسه و تبلیغ دین مبین کوتاهی ورزیدند. بلکه مدتهای
متامدی بنزاعهای مذهبی پرداخته، باعث تفرقه اترت مرحومه
شدند. مسلمین هم بعوض حفظ ممالک اسلامی و مدافعه دین
مبین بجان هم دیگر افتادند، با وجود آن بموجب فرمایش رسو-
ل اکرم (اَلَا سَلَامٌ یَعْلُوْا وَلَا یُعْلٰی عَلَیْهِ)، و بمصدق آیت
سبارک (یُرِیْدُوْنَ اَنْ یُّطْفِئُوْا نُوْرَ اللّٰهِ بِاَفْوَهِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمِّمٌ نُّوْرِهِ
وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُوْنَ)، روشنائی و درخشائی نور دین اسلام روز
تا روز دراز و یاد و شکوه و جلال آن در افروزدن میباشد، چنانکه

در زمان طبع این رساله، یعنی ۲۷ سال قبل نفوس مسلمین را
دو صد و شصت ملیون تخمین می نموده اند، حال آنکه در زمان حا-
ضر نفوس مسلمین به چهار صد ملیون بالغ است.

و لے بر عکس این، ملت های مختلفه نصارا در صورتی که
برای تبلیغ و نشر دین مسیحی (عیسوی)، هر سال مبالغه انگیز
صرف می نمایند و در شهر های بزرگ آوروپا و آمریکا جمعیت
های تبلیغاتی گشاده اند که این جمعیت با دایره سحقات دین
مسیح و بطلان سائرا دیان بهر زبان هزاران هزار کتابها
و رساله چاپ کرده و بهر طرف دنیا مبلغین و داعیان خود
را گسیل می دارند، نه این که عدد مسیحیان می افزاید، بلکه عدّه
آنها تارفته می کا هد. چنانکه از بین خود نصارا فرقه های چند-
ی ظاهر شده که این دایره بر بطلان دین شان شفا یاب و کتباً
تبلیغات می نمایند. اینک مهم ترین این فرقه های ضد دیانت
آنا رخیستان و کامونیستان می باشند.

آنا رخیستان فرقه ای هستند که هیچ گونه دین و حکومت را

نشر اسلام

۵۰

نمی شناسند و وجود هیچ نوع حکومتی را لازم نمی دانند، ولی
کامونیستان حکومت را مخصوص رنجبران می دانند و جمیع
ثروت های طبیعی و سرماییه و کارخانه ها را مال مشترک عموم
می دانند، این ها هم هیچ دینی را قبول ندارند و بر علیه
دین مبارزه را ضروری می شمارند. حاضرین فرقه در روسیه
حکومت را بدست گرفته است. و لے در سایر ممالک
در اقلیت بوده، دو چار تعقیبات حکومت ها هستند. خلاصه
این ها فرقه های هستند که از بین خود ملت نصارا
خروج کرده اند و ضربۀ نختین را بدین خود زده اند.
حال آنکه علی رغم تبلیغات این ها، دین اسلام تا رفته
قوت و شکوه پیدامی نماید.

پس اگر انسان بحکمت عدل و انصاف مراجعت نماید،
خواهد فهمید که بیشک حامی دین مبین سید المرسلین
بے شک ذات اقدس ذوالجلال و روح پاک فخر کائنات
است رسول اکرم و نبی مکرم می باشد و بمصدق آیه دافی

ہدایہ "إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ" دین حق دین
اسلام است .

بمضمون "عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد" ازین تبلیغات
تا برضد دین اسلام و بفایده دین مسیح ، مسلمانان ہم
بیدار شد ، و بفکر ترویج و تبلیغ دین افتاده اند . چنانکہ
درین اواخر در مملکت مصر و ہندوستان علمای عظام
در نشر و ترویج علوم و دینیہ مشغول شدہ اند . خصوصاً
در پائے تخت مصر ، شہر قاہرہ ، در مدرسہ مشہور "الا
زہرہ" کہ دوازدہ ہزار طلبہ دارد ، علمای عظام در
یک شعبہ آن مدرسہ و روس تبلیغ دین مبین را داخل
نمودہ اند . شاگردان این شعبہ تاریخ و فلسفہ احکام
دین مبین و جمیع ادیان روئے دنیا را تدریس نمودہ
وہ دوزبان ہائے مختلفہ اجنبیان را آموختہ ، پس از
اتمام تحصیل و دادن امتحان ، برای تبلیغ دین مبین
حضرت سید المرسلین صلوٰۃ اللہ علیہ بدیاری بعیدہ سفر

نموده ، بوظیفه مقدسه تبلیغ دین مبین مشغول می
شوند .

همچنان علمای عظام هندوستان از جهت
ترویج و نشر اسلام هیئت های مبلغین اسلامی
را تشکیل داده ، بهر طرف دنیا اعزام می نمایند و
درین باره مبلغان کئی صرف و خرج می کنند .
چنانکه از برکت و ثمره تبلیغات آن مبلغین مصر
و هند است که امروزه در مملکت وسیع چین
مليون آدم از زالت کفر خلاص گردیده ، بسعادت
دین اسلام مشرف شده و می شوند . همچنین
در قطعه آفریقا و آمریکا نیز دین مبین اسلام
همواره در انتشار می باشد .

بدیهی است که اگر علمای عظام سایر ممالک
اسلامیه هم ، همچون علمای عظام مصر و
هندوستان در ترویج علم و معارف و نشر دین

مبین اسلام حرکت نموده، بکوشند و افکار عمومی
اسلامیان را بنور علم و معارف تنویر و اخلاق
ایشان را بانصاح حکمت آمیز قرآن کریم و
احادیث شریفه تمذیب کنند، شک و شبهه فی نیت
که عالم اسلام در اندک زمان از خواب غفلت بیدار
شده، علم و هنرهای گم کرده خود را دوباره بدست
آورده، شأن و شوکت اسلاف شان را اعاده نما-
یهند.

علمای اعلام اسلام راست که بیش از همه به
تنویر افکار مسلمین، به نشر علوم و فنون دینی و
دنیوی در میان مسلمانان، به اتحاد و اتفاق ملت
اسلامیه، به ازدیاد حق و حجت اسلامی اشان کوشش
و اجتماع نمایند و درین باره آیت های جلیله قرآ-
نی و احادیث شریفه نبوی را شفاً و کتباً بمسلمین
بیان و اعلام کنند، تا در سایه این اتفاق و اتحاد

نشر اسلام

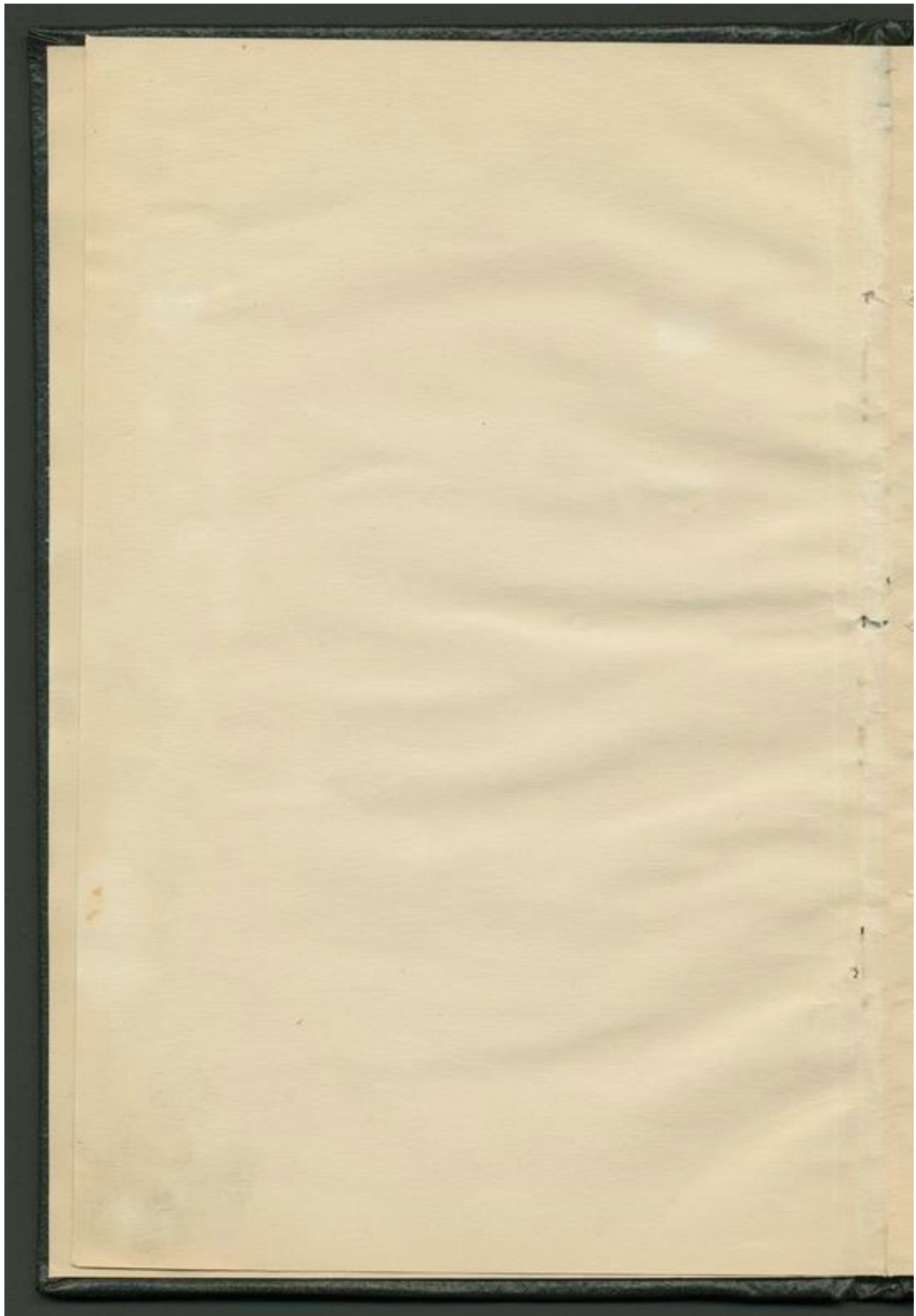
۵۴

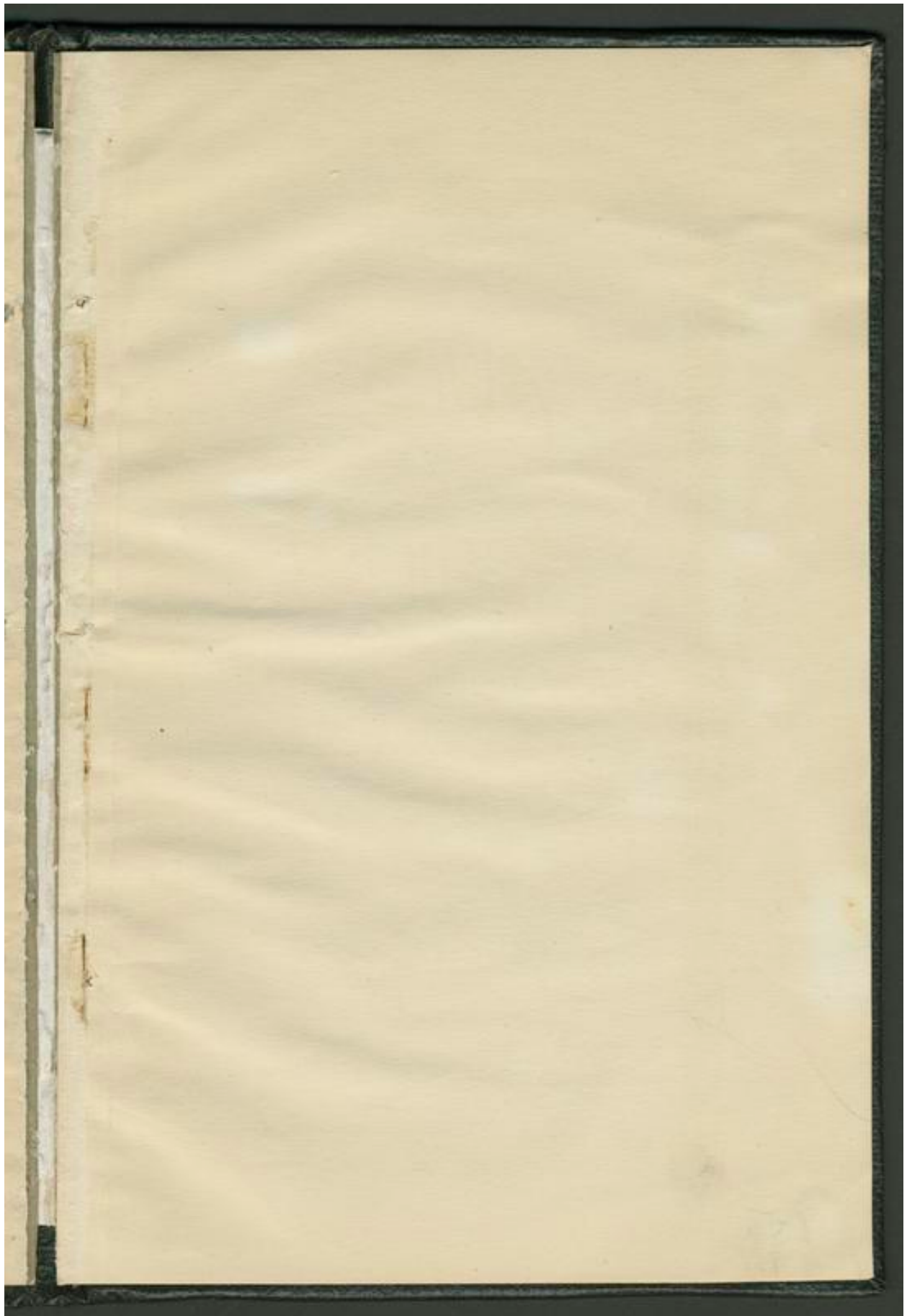
جامعه از هم پاشیده و متفرقه اسلامی در تحت لوا-
ی مقدس "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" متحد و مجتمع
گردود. انشاء الله تعالی .

سید محمد

چند چند چند









فہرست کتب نشریات شیر محمد افغان

کتاب ہای کہ بہ طبع رسیدہ

نام کتاب	صفحات
عصر سعادت	۱۲۴
اصحاب کرام جزء اول	۱۷۵
اصحاب کرام جزء دوم	۱۹۰
مختصر تاریخ اسلام	۱۲۲
نشر اسلام	۵۶
مراسلات	۲۰۲
ادکار الصلوۃ	۳۴
از چہل و پنج جزء تاریخ مغل :	
ژاپونیان	۵۶
کورہ یاغیان	۴۷
چینیان	۵۶
فرانسویان	۴۱
امانیان	۵۰
انگلیسان	۵۳
ایتالیان	۴۹
خیوہ و بخارا	۵۶
ہودان	۵۰

